

بررسی و مقایسه مولفه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای آسیای میانه عضو گروه اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: گرایش به داعش)

محسن دیانت* / محمد فرهادی** / مجتبی عباسی قادی***

چکیده

داده‌های پژوهش با استفاده از روش کمی و از نوع تحلیل ثانویه و نیز پرسشنامه معکوس با رجوع به آمار و ارقام شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منتشر شده در سایت موسسه مطالعات بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) گردآوری و با استفاده از نرم افزار SPSS18 در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی مورد آزمون و تحلیل قرار گرفته است. به منظور اعتبار سنجی ابزار از اعتبار محتوایی صوری کیفی و جهت پایایی سنجی ابزار از قابلیت تکرارپذیری بواسطه استفاده از ضریب پایایی استفاده شده است که میزان آن بالای ۰/۸ برآورد شده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که اولاً بین مولفه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آنها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ مشاهده شده است ($P < 0/01$). دوماً بین اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب مولفه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ مشاهده شده است ($P < 0/01$). بدین ترتیب توسعه اقتصادی با میانگین رتبه ۲/۵۸، توسعه فرهنگی با میانگین رتبه ۲/۵۸، توسعه سیاسی با میانگین رتبه ۲/۲۱ و توسعه اجتماعی با میانگین رتبه ۱/۳۶ بوده است.

کلید واژه‌ها

اسلام افراطی، آسیای میانه، داعش، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی.

mdianat.pn@gmail.com

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

farhadi_m2222@yahoo.com

** دکتری مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی و روسیه علوم آکادمی تاجیکستان.

mojtabaabbasighadi55@gmail.com

*** دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم آکادمی تاجیکستان.



مقدمه

از منظر تاریخی، منطقه‌ی آسیای مرکزی^۱ به‌علت برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک مناسب، نقش مهمی در روابط بین‌الملل ایفا کرده است. با توجه به این‌که منطقه‌ی آسیای مرکزی همواره پلی میان شرق و غرب بوده است، قدرت‌های بزرگ توجه ویژه‌ای به این منطقه داشته‌اند (Kulnazarov, 2015: 125). با این وجود، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آسیای مرکزی به یکی از بازیگران کلیدی منطقه‌ی اوراسیا تبدیل شد؛ با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و چالش‌های سیاسی و فرهنگی منطقه برای نظم بین‌المللی و منطقه‌ای، مسائل آسیای مرکزی به یکی از کانون‌های توجه قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. آسیای مرکزی از نظر اقتصادی، تأمین انرژی، امنیت و مسائل نظامی از اهمیت بسیاری برای قدرت‌های بزرگ برخوردار است. به‌عبارت دیگر، امروزه منطقه‌ی آسیای مرکزی بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام اقتصادی و امنیتی جهانی است. پس از مداخله‌ی نظامی ایالات متحده‌ی آمریکا در افغانستان در سال ۲۰۰۱، چالش‌های امنیتی منطقه وارد مرحله‌ی جدیدی شد؛ یکی از پیامدهای اشغال افغانستان، تبدیل این کشور به یکی از تهدیدهای منطقه‌ای علیه امنیت روسیه بوده است. با توجه به این تحولات و اهمیت امنیت آسیای مرکزی برای قدرت‌های بزرگ – به‌ویژه روسیه، چین و ایالات متحده – حضور و نفوذ این قدرت‌ها در منطقه افزایش یافت (SUCU, 2017: 126-127). توانایی قدرت‌های بزرگ، به‌خصوص چین و ایالات متحده‌ی آمریکا، در کاهش بی‌ثباتی منطقه‌ای، میانجیگری در درگیری‌ها و تنش‌های منطقه‌ای و جلوگیری از بروز جنگ، نقش مهمی در تبدیل شدن منطقه‌ی آسیای مرکزی به یکی از منابع قابل اتکای انرژی دارد. دولت‌های این منطقه نشان داده‌اند که از توانایی لازم برای مدیریت مسائل منطقه‌ای برخوردار نیستند و برای غلبه بر چالش‌های اقتصادی و سیاسی به قدرت‌های خارجی وابسته هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد به‌علت تداوم درگیری بر سر تقسیم منابع آبی، حضور شبه‌نظامیان اسلامی در منطقه و تنش‌های قومی بی‌ثباتی در منطقه ادامه خواهد داشت. بنابراین، صلح و ثبات منطقه‌ای تا حدود زیادی به نقش و روابط قدرت‌های بزرگ در منطقه – به‌خصوص چین، روسیه، ایالات متحده‌ی آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا – باز می‌گردد (Lakatos & Kosztur, 2017).

¹. Central Asia

بنابراین، منطقه‌ی آسیای مرکزی از سه جهت از اهمیت ویژه‌ای برای قدرت‌های بزرگ برخوردار است. نخست، این منطقه از منابع غنی انرژی (نفت، گاز طبیعی و برق) برخوردار است که این امر برای متنوع کردن منابع عرضه انرژی در بازارهای جهانی و کاهش وابستگی به منطقه‌ی پرتنش و حساس خاورمیانه اهمیت بسیاری دارد. به عبارت دیگر، چین، ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا تلاش می‌کنند تا با سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز منطقه نیاز خود را به انرژی منطقه‌ی خاورمیانه و هم‌چنین روسیه کاهش دهند. دوم، چین و روسیه به علت هم‌جواری با این منطقه، توجه ویژه‌ای به حفظ صلح و ثبات در آسیای مرکزی و مرزهای خود دارند. بنابراین، چین علاوه بر منافع اقتصادی، دارای منافع سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک بسیاری در این منطقه است. سوم، منطقه‌ی آسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فرد نقش بسیار مهمی در ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند. علاوه بر قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای - به خصوص ایران، ترکیه، هند و عربستان، سعودی نیز تلاش حضور و نفوذ خود را در آسیای مرکزی افزایش دهند و از منافع این حضور بهره‌مند شوند.

از سوی دیگر، ربع پایانی قرن بیستم با پدیده چرخش فرهنگی، به همراه پدیده پسامدرنیته و پساساختارگرایی، هم در بعد واقعیت اجتماعی و هم در بعد تحلیل اجتماعی، مصادف بوده است این چرخش نه تنها نشان دهنده اهمیت پیش از پیش نقش فرهنگ در زندگی انسان‌ها و در علوم انسانی و اجتماعی است، بلکه نشان دهنده فهم درست تر و عمیق تر از نقش و قدرت فرهنگی در انواع ساحت‌های زندگی بشری و تحلیل اجتماعی است. (پناهی، ۱۳۹۴: ۱)؛ چرا که توسعه اجتماعی - فرهنگی در قالب اهمیت دادن به ارزشها محلی و ملی، منجر به خودباوری جامعه شده و این مسئله خود در شکل‌گیری و هویت اجتماعی - فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفاء می‌کند. اما فقدان توجه به توسعه فرهنگی و اجتماعی در کنار نارسایی‌های توسعه سیاسی و اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی که با یک خلاء قدرت و خلاء ایدئولوژیک روبه‌رو بوده است؛ بنابراین مردم و روشنفکران در فکر مدلی برای جایگزین آن هستند. لذا ناسیونالیسم و اسلام دو الترناتیو برای پر کردن این خلاء معرفی می‌شوند و از دیدگاه مردم و نخبگان بازگشت به هر کدام از این التریواتیوها بازگشت به اشکال خویشتن‌شناسی و جستجو در اصلیت خودشان است. ابتدا جنبش ناسیونالیستی در این منطقه مطرح بود که به علت تاثیرات جهانی شدن، مشکلات اقتصادی، تاثیر نیروهای خارجی، عدم توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ناسیونالیسم نتوانست جهت‌گیری ملی به خود گرفته بلکه در

راستای حرکت های افراطی و بنیادگرایانه در قالب اسلام حرکت کرده است به همین دلیل این مسئله خود یکی از زمینه های مناسب برای گسترش اسلام خواهی در منطقه فراهم کرده است. در حالی که خلا بزرگی در زمینه دینی و مذهبی در میان بود و این مسئله آسیب پذیری آنها در گرایش به اسلام اصیل و درست را به نمایش گذاشته بود. به همین دلیل زمینه مناسب برای گسترش اسلام گرایی افراطی در منطقه فراهم شد. عدم توسعه اجتماعی - فرهنگی به دو شیوه متفاوت بر روند گرایش به اسلام گرایی افراطی در آسیای میانه تاثیر گذاشته است: از یک طرف باعث ناکارآمد جلوه کردن دولت-ملی شده و روند حرکت های رادیکال - بنیادگرا را تسریع می بخشد و از طرف دیگر کشورهای آسیای میانه که با یک سری مشکلات جدی اجتماعی روبرو هستند را دچار بروز و گسترش هویت یابی های قومی و ناسیونالیستی می کند و از سوی دیگر با توجه به مشکلات عدیده اجتماعی و فرهنگی موجود در منطقه در این کشورها این بار هویت یابی ها در راستای توجه به ساختارهای اجتماعی منطقه و ارزش های ملی و فرهنگی نبوده است؛ بلکه در راستای جهت گیری اسلام افراطی در منطقه حرکت کرده است. لذا بعد از آنکه ناسیونالیسم نتوانست خلاء فکری - معنوی موجود در آسیای مرکزی را پر نماید. گروه های بنیادگرای اسلامی توانستند با بهره گیری از متدهای تبلیغاتی قوی و دادن وعده های در جهت بهبود کیفیت زندگی شهروندان منطقه در جذب مردم موفق عمل کنند.

بنیادگرایی اسلامی گفتمانی است که حول مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. این گفتمان مدعی است که اسلام از نظریه سیاسی راجع به دولت و سیاست برخوردار است. از این رو میرسکی بر این باور است که «اسلام گرایی نوعی جنبش سیاسی بر اساس ایدئولوژی افراطی است و بنیادگرایی از ضرورت های اساسی آن به شمار می رود. به اعتقاد طرفداران این جنبش، تمامی مشکلات جوامع مسلمان به جدایی از بنیان های اسلام راستین باز می گردد؛ توسل به دیگر اندیشه های بیگانه نیز از جمله دلایل مشکل جوامع و کشورهای مسلمان به شمار می رود» (Grinin and Korotayev, 2019: 6-61). از منظر این گفتمان بازگشت به اسلام به عنوان تنها راه حل بحران ها و چالش های معاصر تلقی می شود. از اینرو هدف اساسی این گفتمان بازسازی جوامع اسلامی مطابق با اصول بنیادین اسلامی است و در این راستا کسب قدرت سیاسی مهم ترین دغدغه متفکران و معتقدان به آن جهت دستیابی به اهداف تلقی می شود. از آنجاکه می توان گفت اسلام گرایی پاسخی به بحران های موجود جامعه است؛ بسته به میزان و شدت بنیادگرایی در طیف گسترده ای قابل بررسی است که در سمت رقیق آن توسلات روحانی

و معنوی و در سوی غلیظ آن خشونت انقلابی را می‌توان یافت. به هر میزان که بحران‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌تر باشند پاسخ بنیادگرایان انقلابی‌تر است (عزیزخانی، ۱۳۸۸: ۶۲).

مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به پدیده اسلام‌گرایی افراطی در منطقه توجه داشته‌اند. بدین ترتیب که برخی مطالعات همچون تولیف (۲۰۱۶) و سومکین (۲۰۱۶) و دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی (۱۳۹۵) به اهمیت ژئوپولیتیک آسیای مرکزی در حوزه‌های تروریسم، مواد مخدر و اقتصادی پرداخته که مورد توجه قدرت‌های بیگانه بوده است. همچنین برخی از مطالعات نظیر: گزارش از پیکارجویان داعش از (۲۰۰۵-۲۰۱۵)، کاظمی و همکاران (۱۳۹۵)، اسلامی محسن و ایاز (۱۳۹۶)، مجیدی و باقری (۱۳۹۷)، دهشیری و جوزانی کهن (۱۳۹۲) به سبب شناسی و عوامل موثر بر رشد و گسترش اسلام‌گرایی افراطی در منطقه آسیای مرکزی پرداخته‌اند و در این زمینه به عواملی همچون: مسئله رشد جمعیت، بیکاری و عدم رشد اقتصادی، شکاف فزاینده درآمدی، فقر، عدم دسترسی به امکانات آموزشی، تحصیلات، بیمه و به طور کلی محرومیت‌های گسترده اقتصادی و سیاسی و به حاشیه رانده شدن توسط گروه اندکی از نخبگان حاکم، فعالیت حزب‌های بنیادگرا، نفوذ تفکر افراطی، عدم توسعه یافتگی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، وجود منابع معدنی غنی در این منطقه، وجود دو کشور مسلمان بنیادگرا (پاکستان و افغانستان) در همسایگی کشورهای این منطقه، نزدیکی کشور روسیه به این منطقه، حضور مسلمانان غرب چین (در استان سین کیانگ) در نزدیکی و همسایگی کشورهای منطقه آسیای مرکزی، استراتژی داعش در بین‌المللی کردن خود، فقدان دموکراسی و فقدان حقوق شهروندی، استفاده ابزاری از دین از سوی رژیم‌های حاکم منطقه، نقش فضای مجازی در ایجاد شبکه‌ای از سلول‌های تروریستی در آسیای مرکزی اشاره کردند.

بنابراین با توجه به موارد فوق، براساس رویکردهای نظری صاحب‌نظران فشار اجتماعی همچون رابرت اگنیو، رابرت مرتن، جودیت بلاو و پیتر بلاو می‌توان چنین گفت که وجود فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر افراد و نیز محدودیت در راه وصول به اهداف نهادینه‌شده نظام اجتماعی در گرایش افراد به کجرفتاری (در اینجا اعمال پرخاشجویانه در پیوستن به گروه داعش) مؤثر می‌باشند. با این تفاوت که رابرت اگنیو (۱۹۹۹) این فشار را ناشی از فشار و محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی (نقل از علیوردی‌نیا، ۱۳۹۰: ۹۸). رابرت مرتن این فشار را ناشی از شکاف بین اهداف و ابزارهایی نهادینه‌شده در راه حصول به اهداف

(ریترز ۱۳۸۴ و کیویتسو ۱۳۸۳). و در نهایت پیتر بلاو و جودیت بلاو این فشار را ناشی از شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب (ایده آل) افراد در نظر می‌گیرند (گر، ۱۳۷۷: ۵۴). لذا در رابطه با رویکردهای نظری مطرح در ارتباط با موضوع پژوهش می‌توان چنین گفت که یکی از فشارهای وارده بر افراد، فشارهای اقتصادی است و لذا از آنجا که ابزار لازم برای دسترسی به اهداف موردنظر در اختیار همه افراد جامعه قرار نمی‌گیرد، در نتیجه آن‌ها با مقایسه‌ای که بین خود و دیگران از وضع موجود و مطلوب به‌ویژه در بعد ارزش‌های مادی به عمل می‌آورند احساس محرومیت نسبی می‌کنند و لذا آمادگی و استعداد لازم را برای پرداختن به اعمال کج روانه و پیگیری اهداف و اعمال خود در آن گروه را دارند. گروه داعش نیز با توجه به این ضعف یعنی فشارهای اقتصادی که در کشورهای مشترک‌المنافع وجود دارد، با تبلیغات وسیعی که انجام می‌دهد، مبادرت به عضوگیری از این کشورها می‌نماید.

علاوه بر آن، موضوع اسلام‌گرایی افراطی از بعد سیاسی نیز حائز اهمیت است. هانتینگتون مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داده و بر این اعتقاد است در فرآیند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به‌صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند که در نتیجه نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر این صورت نظام با بی‌ثباتی، هرج‌ومرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی روبه‌رو خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب تجلی کند (قوام، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۱). لذا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دلیل عدم رشد توسعه سیاسی در کشورهای آسیای میانه و تقلیل مدرنیسم و نوسازی سیاسی به مدرنیزاسیون موجب عدم جذب گروه‌های نوظهور در نظام شد، این گروه‌ها دچار سرخوردگی شده و ضمن ناامید گشتن از امکان فعالیت سیاسی در قالب مجاری قانونی و رسمی در درون سیستم به ساماندهی کنش‌های خود در ذیل رفتارهای عصیانگرانه همچون گرایش به اسلام‌گرایی افراطی دنبال می‌کنند.

عدم توسعه یافتگی اجتماعی خاصه عدم وجود ساختار اجتماعی و فرهنگی که به اکثریت مردم محروم جامعه نه‌تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را بدهد؛ بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آن‌ها را یاری می‌کند نیز از عوامل پیوستن شهروندان آسیای مرکزی به اسلام‌گرایی افراطی بوده است. در نهایت آنچه ضرورت و اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد این است که عدم توسعه یافتگی در ابعاد توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و

ناتوانی حکومت‌ها در جهت برطرف نمودن این ضعف‌ها، سبب شده تا روند گسترش اسلام‌گرایی در داخل منطقه افزایش یابد و مشروعیت نظام حاکم بر کشورهای آسیای مرکزی را دچار چالش سازد و زمینه برای ارتباط گروه‌های اسلام‌گرا در درون منطقه با دیگر گروه‌های خارج از منطقه را فراهم سازد. لذا بررسی نقش و تاثیر عدم توسعه یافتگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ایجاد این وضعیت و گرایش مردم منطقه به سمت گروه‌های افراطی و بنیادگرا از جمله داعش بسیار حائز اهمیت می‌باشد. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی و مقایسه مولفه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای آسیای میانه عضو گروه اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: گرایش به داعش) بپردازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی و از نوع مقایسه‌ای قلمداد می‌گردد. لذا داده‌های پژوهش با استفاده از روش کمی و از نوع تحلیل ثانویه و نیز پرسشنامه معکوس با رجوع به آمار و ارقام شاخص‌های توسعه فرهنگی (شاخص‌های هزینه‌های آموزشی، توسعه انسانی، آموزشی و نوآوری)، شاخص‌های توسعه اقتصادی (بیکاری، درصد جمعیت زیر خط فقر، شاخص انجام فعالیت‌های تجاری، سرانه تولید ناخالص ملی و امتیاز آزادی اقتصادی)، شاخص‌های توسعه سیاسی (شاخص‌های دموکراسی، آزادی رسانه، حکومت قانون و عدم ذهنیت فساد) و شاخص‌های توسعه اجتماعی (شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، هزینه‌های بهداشتی، نرخ خاص مهاجرت، رقابت پذیری و جهانی شدن) منتشر شده در سایت موسسه مطالعات بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) در رابطه با کشورهای مورد بررسی آسیای میانه یعنی قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده، گردآوری شده است. بدین ترتیب که پس از احصاء داده‌های مرتبط با نرخ و رتبه بندی شاخص‌های مختلف توسعه فرهنگی ۵ کشور مورد بررسی مشترک المنافع در مقیاس جهانی، نرخ شاخص‌های مختلف فرهنگی در میان ۵ کشور نیز از حیث میزان برخورداری از کد ۱ (بهترین رتبه) تا کد ۵ (بدترین رتبه) رتبه‌بندی شدند. لازم به ذکر است که برای شاخص‌های بیکاری و نیز درصد جمعیت زیر خط فقر از مولفه اقتصادی، رتبه ۱ بیانگر بدترین رتبه و رتبه ۵ بیانگر بهترین رتبه قلمداد شده است. داده‌های استخراج شده به نرم افزار SPSS18 منتقل و در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

علاوه بر آن؛ به منظور اعتبار سنجی ابزار از اعتبار محتوایی صوری کیفی و جهت پایایی سنجی ابزار از قابلیت تکرار پذیری بواسطه استفاده از ضریب پایایی استفاده شده است که میزان آن بالای ۰/۸ برآورد شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

الف) تحلیل توصیفی:

۱- تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای مرکزی

جدول ۱: توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه را نشان می‌دهد:

جدول ۱- توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای مرکزی

کشورها	فراوانی	درصد فراوانی
قرقیزستان	۱۰۰	۷/۱
تاجیکستان	۱۹۰	۱۳/۶
قزاقستان	۲۵۰	۱۷/۹
ترکمنستان	۳۶۰	۲۵/۷
ازبکستان	۵۰۰	۳۵/۷
تعداد کل	۱۴۰۰	۱۰۰/۰

نما: ۵ (ازبکستان)

همان‌گونه که توزیع فراوانی جدول ۱؛ نیز نشان می‌دهد؛ تعداد جنگجویان گروه داعش از مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه به ترتیب: قرقیزستان با ۷/۱ درصد، تاجیکستان با ۱۳/۶ درصد، قزاقستان ۱۷/۹ درصد، ترکمنستان با ۲۵/۷ درصد و ازبکستان با ۳۵/۷ درصد بوده است. همان‌گونه که آماره نما نیز نشان می‌دهد؛ کشور ازبکستان بیشترین تعداد جنگجو در گروه داعش را در میان ۵ کشور مورد بررسی دارد.

۲- توسعه فرهنگی

جدول ۲- توزیع شاخص‌های توسعه فرهنگی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه در عضوگیری گروه داعش^۱

شاخص‌های توسعه فرهنگی	قزاقستان			ازبکستان			ترکمنستان			قرقیزستان			تاجیکستان	
	رتبه			رتبه			رتبه			رتبه			رتبه	
	رتبه	جهانی	در میان ۵ کشور	رتبه	جهانی	در میان ۵ کشور	رتبه	جهانی	در میان ۵ کشور	رتبه	جهانی	در میان ۵ کشور	رتبه	جهانی
شاخص هزینه‌های آموزشی/از تولید ناخالص ملی)	۳	-	۳۱۰	۳	-	۳۱۰	۳	-	۳۱۰	۳	-	۳۱۰	۳	-
شاخص توسعه انسانی	۱	۷۰	متوسط	۳	۱۱۶	متوسط	۲	۱۰۳	متوسط	۵	۱۲۵	متوسط	۱۱۳	۴
امتیاز شاخص آموزشی	۱	۷۰	۰/۶۵۱	۳	۱۱۶	۰/۶۷۹	۲	۱۰۳	۰/۶۵۶	۴	۱۳۳	۰/۶۳۹	۱۳۳	۴
امتیاز شاخص نوآوری	۱	۸۳	۵۹۷۱	۲	۹۰	۵۸۵۸	۳	۹۳	۵۷۴۹	۴	۹۶	۵۷۴۹	۹۶	۴

همان‌گونه که توزیع شاخص‌های توسعه فرهنگی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده است (جدول ۲)؛ نشان می‌دهند:

الف) کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص هزینه‌های آموزشی را برحسب تولید ناخالص ملی کشورهایشان را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ب) کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص توسعه انسانی را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ج) کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان قرقیزستان مشترکاً به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص آموزش را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش از حیث شاخص آموزشی دارند.

د) کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص نوآوری را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

۳- توسعه اقتصادی

^۱. داده‌ها براساس موسسه مطالعات امور بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵)

جدول ۳- توزیع شاخص های توسعه اقتصادی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه در عضوگیری گروه داعش^۱

شاخص های توسعه اقتصادی ^۲	قزاقستان			ازبکستان			ترکمنستان			قرقیزستان			تاجیکستان	
	رتبه			رتبه			رتبه			رتبه			رتبه	
	نرخ	جهانی	در میان ۵ کشور	نرخ	جهانی	در میان ۵ کشور	نرخ	جهانی	در میان ۵ کشور	نرخ	جهانی	در میان ۵ کشور	نرخ	جهانی
شاخص بیکاری	۵/۱۰٪	۵۱	۳	۴/۹۰٪	۴۷	۲	۶۰٪	۱۹۸	۵	۸/۶۰٪	۹۶	۴	۲/۵۰٪	۱۸
درصد جمعیت زیر خط فقر	۱۲/۱۰٪	۱۲۳	۵	۲۶٪	۸۲	۴	۳۰٪	۶۹	۳	۴۰٪	۴۲	۲	۶۰٪	۱۵
شاخص انجام فعالیت های تجاری	-	۷۷	۱	-	۱۴۱	۳	-	-	-	-	۱۰۲	۲	-	۱۶۶
سرانه تولید ناخالص ملی	۲۴/۱۰٪	۷۴	۱	۵/۶۰٪	۱۶۲	۳	۱۴/۲۰٪	۱۰۸	۲	۳/۴۰٪	۱۸۱	۴	۲/۷۰٪	۱۹۳
امتياز آزادی اقتصادی	۶۳/۳	۶۹	۱	۴۷/۰	۱۶۰	۴	۴۱/۴	۱۷۲	۵	۶۱/۳	۸۲	۲	۵۲/۷	۱۴۰

همان گونه که توزیع شاخص های توسعه اقتصادی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده است (جدول ۳)؛ نشان می دهند: الف) کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین نرخ و رتبه بیکاری را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ب) کشورهای تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین تا کمترین درصد و رتبه جمعیت زیر خط فقر را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ج) کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش از حیث شاخص انجام فعالیت های تجاری دارند. لازم به ذکر است که از این حیث برای کشور ترکمنستان رتبه ای ذکر نشده است.

د) کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه سرانه تولید ناخالص ملی را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

۴- توسعه سیاسی

^۱ داده ها براساس موسسه مطالعات امور بین الملل فنلاند (۲۰۱۵)

جدول ۴- توزیع شاخص‌های توسعه سیاسی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه در عضوگیری گروه داعش^۱

شاخص‌های توسعه سیاسی	قزاقستان			ازبکستان			ترکمنستان			قرقیزستان			تاجیکستان		
	رتبه		رتبه	رتبه		رتبه	رتبه		رتبه	رتبه		رتبه	رتبه		
	در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی		در میان ۵ کشور	جهانی	
امتیاز شاخص دموکراسی	-	۱۲۰	۲	-	۱۶۰	۴	-	۱۶۲	۵	-	۱۱۱	۱	-	۱۴۹	۳
امتیاز شاخص آزادی رسانه	۸۵	۱۸۵	۳	۹۵	۱۹۷	۴	۹۵	۱۹۷	۴	۶۷	۱۴۸	۱	۸۷	۱۷۹	۲
امتیاز شاخص حکومت قانون	۰،۳۵	۹۳	۲	۰،۲۹	۹۷	۳	-	-	-	۰،۴۷	۷۰	۱	-	-	-
امتیاز شاخص عدم ذهنیت فساد	۲۹	۱۲۶	۱	۱۸	۱۶۶	۴	۱۷	۱۶۹	۵	۲۷	۱۳۶	۲	۲۳	۱۵۲	۳

همان‌گونه که توزیع شاخص‌های توسعه سیاسی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده است (جدول ۴)؛ نشان می‌دهند:

الف) کشورهای قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص دموکراسی را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.
 ب) کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان و ترکمنستان مشترکاً به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص آزادی رسانه را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ج) کشورهای قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص حکومت قانون را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش از حیث شاخص آموزشی دارند.

د) کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین شاخص عدم ذهنیت فساد را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

۵- توسعه اجتماعی

^۱. داده‌ها براساس موسسه مطالعات امور بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵)

جدول ۵- توزیع شاخص های توسعه اجتماعی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه در عضوگیری گروه داعش^۱

شاخص های توسعه اجتماعی	قزاقستان			ازبکستان			ترکمنستان			قرقیزستان			تاجیکستان		
	رتبه		نرخ	رتبه		نرخ	رتبه		نرخ	رتبه		نرخ	رتبه		
	درمیان ۵ کشور	جهانی		درمیان ۵ کشور	جهانی		درمیان ۵ کشور	جهانی		درمیان ۵ کشور	جهانی				
امتیاز شاخص پیشرفت اجتماعی	۶۱/۳۸	۸۳	۱	۵۹/۷۱	۹۰	۲	-	-	-	۵۸/۵۸	۹۳	۳	۵۶/۴۹	۹۶	۴
امتیاز شاخص هزینه های بهداشتی (برحسب تولید ناخالص ملی)	۴/۲۰	۱۵۷	۴	۵/۹۰	۱۱۸	۲	۲/۰۰	۱۹۰	۵	۷/۱۰	۷۷	۱	۵/۸۰	۱۲۰	۳
امتیاز شاخص نرخ عاخص مهاجرت ^۲	۰/۴۲	۷۲	۱	-۲/۴۶	۱۷۳	۴	-۱/۸۶	۱۶۴	۳	-۶/۱۶	۱۹۹	۵	-۱/۱۷	۱۵۲	۲
امتیاز شاخص رقابت پذیری	۴/۴	۵۰	۱	-	-	-	-	-	-	۳/۷	۱۰۸	۳	۳/۹	۹۱	۲
امتیاز شاخص جهانی شدن	۶۰/۰۶	۷۶	۱	۴۲/۳۴	۱۴۹	۴	۳۷/۹۶	۱۶۷	۵	۵۳/۹۱	۹۹	۲	۴۵/۰۲	۱۳۷	۳

همان گونه که توزیع شاخص های توسعه اجتماعی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای آسیای میانه که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده است (جدول ۵)؛ نشان می دهند:

الف) کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص پیشرفت اجتماعی را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ب) کشورهای قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص هزینه های بهداشتی را برحسب تولید ناخالص ملی در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ج) کشورهای قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان به ترتیب بیشترین تا کمترین شاخص نرخ خالص مهاجرت را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

د) کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه شاخص رقابت پذیری را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش از حیث شاخص آموزشی دارند.

^۱ داده ها براساس موسسه مطالعات امور بین الملل فنلاند (۲۰۱۵)

ه) کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین شاخص جهانی شدن را در میان کشورهای آسیای میانه عضوگیری داعش دارند.

ب) تحلیل استنباطی داده‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، از نوع تحلیل دو متغیره و از نوع تحلیل مقایسه‌ای (آزمون تفاوت معناداری) استفاده شده است:^۱

۱- بین شاخص‌های مولفه توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آنها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶- توزیع رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه فرهنگی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

رتبه امتیاز	کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	آزمون کروسکال والیس		
		تعداد جنگجویان	میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو
sig	df	df	df	df
۰/۰۰۰	قرقیزستان	۱۰۰	۲۴۰/۵۰	۵۳۹/۰۰۰
	تاجیکستان	۱۹۰	۹۵/۵۰	
	قزاقستان	۲۵۰	۴۱۵/۵۰	
	نمونه کل	۵۴۰		

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۶، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه امتیاز شاخص‌های توسعه فرهنگی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قزاقستان، قرقیزستان به ترتیب بیشترین و کشور

^۱. باید خاطر نشان ساخت که با توجه به رتبه‌ای بودن داده‌های استخراج شده از برآورد نرمال و غیرنرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری نظیر: آزمون کلموگروف- اسمیرنوف تک نمونه ای برای انتخاب نوع آزمون آماری مقتضی کمی (پارامتریک) و کیفی (ناپارامتریک) خودداری می‌شود و لذا از آزمون‌های ناپارامتریک (کیفی) نظیر: آزمون‌های کروسکال والیس و آزمون فریدمن برای تحلیل مقایسه‌ای استفاده می‌شود.

تاجیکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه فرهنگی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند. لذا فرضیه پژوهش در رابطه با این مولفه تأیید می‌گردد.

۲- بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آنها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷- توزیع رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اقتصادی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اقتصادی
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه‌ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۳	۱۰۳۸/۲۰۶	۶۴۸/۳۵	۱۰۰	قرقیزستان	
			۶۴۴/۰۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۹۱۵/۵۰	۲۵۰	قزاقستان	
			۲۵۰/۵۰	۵۰۰	ازبکستان	
				۱۰۴۰	نمونه کل	

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۷، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اقتصادی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین و کشور ازبکستان کمترین رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اقتصادی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند. لذا فرضیه پژوهش در رابطه با این مولفه تأیید می‌گردد.

۳- بین شاخص‌های توسعه سیاسی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آنها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸- توزیع رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه سیاسی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

آزمون کروسکال والیس					کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اقتصادی
sig	df	مقدار کی دو	میانگین	تعداد		

		دو	رتبه ها	جنگجویان		رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه سیاسی
۰/۰۰۰	۲	۸۴۹/۰۰۰	۸۰۰/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	
			۶۲۵/۵۰	۲۵۰	قزاقزستان	
			۲۵۰/۵۰	۵۰۰	ازبکستان	
				۸۵۰	نمونه کل	

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۸، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه سیاسی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قرقیزستان و قزاقزستان به ترتیب بیشترین و کشور ازبکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه سیاسی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند. لذا فرضیه پژوهش در رابطه با این مولفه تأیید می‌گردد.

۴- بین شاخص‌های توسعه اجتماعی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آنها عضوگیری نموده است تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۹- توزیع رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اجتماعی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش

		آزمون کروسکال والیس			کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش	رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اجتماعی
sig	df	مقدار کی دو	میانگین رتبه ها	تعداد جنگجویان		
۰/۰۰۰	۲	۵۳۹/۰۰۰	۱۴۵/۵۰	۱۰۰	قرقیزستان	
			۱۴۵/۵۰	۱۹۰	تاجیکستان	
			۴۱۵/۵۰	۲۵۰	قزاقزستان	
				۵۴۰	نمونه کل	

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۹، میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد؛ بین رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اجتماعی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای قزاقزستان بیشترین و کشور قرقیزستان و

تاجیکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز شاخص‌های مولفه توسعه اجتماعی را بر حسب تعداد جنگجویان کشورهای آسیای میانه عضو گروه داعش نشان دادند. لذا فرضیه پژوهش در رابطه با این مولفه تأیید می‌گردد.

۵- بین اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب مولفه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰- اولویت بندی گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر

حسب مولفه‌های توسعه ای

ردیف	ابعاد مختلف توسعه ای	میانگین رتبه ها	اولویت
۱	توسعه اقتصادی	۳/۵۸	۱
۲	توسعه فرهنگی	۲/۵۸	۲
۳	توسعه سیاسی	۲/۲۱	۳
۴	توسعه اجتماعی	۱/۳۶	۴

ادامه جدول ۱۰- نتایج آزمون فریدمن

آزمون فریدمن	نتایج فریدمن
مقدار کی دو	۶۲۵/۵۹۷
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات معتبر	۳۵۰

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد؛ تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب مولفه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی وجود دارد. لذا می‌توان چنین گفت که مولفه عدم توسعه یافتگی اقتصادی بیشترین نقش و مولفه عدم توسعه یافتگی اجتماعی کمترین نقش را در گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با مولفه‌های توسعه‌ای داشته است. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۶- بین اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱- اولویت بندی گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر

حسب شاخص‌های توسعه فرهنگی

ردیف	شاخص‌های توسعه فرهنگی	میانگین رتبه‌ها	اولویت
۱	هزینه‌های آموزشی	۲/۶۱	۱
۲	توسعه انسانی	۲/۲۸	۴
۳	شاخص آموزش	۲/۴۶	۳
۴	شاخص نوآوری	۲/۵۶	۲

ادامه جدول ۱۱- نتایج آزمون فریدمن

آزمون فریدمن	نتایج فریدمن
مقدار کی دو	۴۰/۸۷۹
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات معتبر	۵۴۰

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد؛ تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه فرهنگی وجود دارد. لذا می‌توان چنین گفت که شاخص هزینه‌های آموزشی بیشترین نقش و شاخص توسعه انسانی کمترین نقش را در گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با مولفه توسعه فرهنگی داشته است. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۷- بین اولویت گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه اقتصادی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲- اولویت بندی گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر

حسب شاخص‌های توسعه اقتصادی

ردیف	شاخص‌های توسعه اقتصادی	میانگین رتبه‌ها	اولویت
۱	بیکاری	۳/۵۸	۱
۲	درصد جمعیت زیر خط فقر	۲/۱۷	۵
۳	رتبه تجاری	۳/۳۹	۲

۴	سرانه تولید ناخالص داخلی	۲/۹۸	۳
۵	آزادی اقتصادی	۲/۶۱	۴

ادامه جدول ۱۲- نتایج آزمون فریدمن

آزمون فریدمن	نتایج فریدمن
مقدار کی دو	۸۲۲/۳۴۷
درجه آزادی	۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات معتبر	۱۰۴۰

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۱۲ نشان می‌دهد؛ تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه اقتصادی وجود دارد. لذا می‌توان چنین گفت که شاخص بیکاری بیشترین نقش و شاخص درصد جمعیت زیر خط فقر کمترین نقش را در گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با مولفه توسعه اقتصادی داشته است. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۸- بین اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه سیاسی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳- اولویت بندی گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر

حسب شاخص‌های توسعه سیاسی

ردیف	شاخص‌های توسعه سیاسی	میانگین رتبه‌ها	اولویت
۱	دموکراسی	۲/۲۶	۳
۲	آزادی رسانه	۱/۸۲	۴
۳	حکومت قانون	۳/۴۴	۱
۴	عدم ذهنیت فساد	۲/۴۷	۲

ادامه جدول ۱۳- نتایج آزمون فریدمن

آزمون فریدمن	نتایج فریدمن
مقدار کی دو	۱۰۳۷/۱۷۹
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات معتبر	۸۵۰

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۱۳ نشان می‌دهد؛ تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه سیاسی وجود دارد. لذا می‌توان چنین گفت که شاخص حکومت قانون بیشترین نقش و شاخص آزادی رسانه کمترین نقش را در گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با مولفه توسعه سیاسی داشته است. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۹- بین اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۴- اولویت‌بندی گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر

حسب شاخص‌های توسعه اجتماعی

ردیف	شاخص‌های توسعه اجتماعی	میانگین رتبه‌ها	اولویت
۱	پیشرفت اجتماعی	۲/۴۴	۴
۲	جهانی شدن	۳/۲۴	۳
۳	رقابت پذیری	۳/۶۷	۱
۴	هزینه‌های بهداشتی	۲/۲۷	۵
۵	نرخ خالص مهاجرت	۳/۳۹	۲

ادامه جدول ۱۴- نتایج آزمون فریدمن

آزمون فریدمن	نتایج فریدمن
مقدار کی دو	۴۴۹/۷۷۰
درجه آزادی	۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد مشاهدات معتبر	۵۴۰

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۱۴ نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ در اولویت‌گرایی به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه بر حسب شاخص‌های توسعه اجتماعی وجود دارد. لذا می‌توان چنین گفت که شاخص رقابت‌پذیری بیشترین نقش و شاخص هزینه‌های بهداشتی کمترین نقش را در گرایش به اسلام‌گرایی

افراطی (گروه داعش) در کشورهای آسیای میانه در رابطه با مولفه توسعه اجتماعی داشته است. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

نتیجه گیری

منطقه آسیایی میانه و قفقاز به دلایل متعدد، اهمیتی ویژه در ژئوپولتیک جهانی دارد. این امر به خصوص پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای این منطقه که هر کدام واجد ویژگی‌های قومی، جغرافیایی، اقتصادی و مذهبی خاصی بودند. در معادلات قدرتهای منطقه‌ای و جهانی جلوه‌ای دیگر یافت. تنوع فرهنگ‌ها و آیین‌ها و رسوم از یک سو و خلأهای توسعه‌ای در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از سوی دیگر، زمینه‌های مساعدی را برای ظهور و بروز گروه‌های اسلام‌گرا و افراطی فراهم آورده است. با گسترش گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه روند گرایش به این گروه‌ها در منطقه آسیای مرکزی دو چندان شده است.

صاحب‌نظران رویکرد نظری فشار اجتماعی همچون رابرت اگنیو، رابرت مرتن، جودیت بلاو و پیتر بلاو، وجود فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر افراد و نیز وجود محدودیت‌ها در راه وصول به اهداف نهادینه شده نظام اجتماعی را در گرایش افراد به کج رفتاری (در اینجا اعمال پرخاشجویانه در پیوستن به گروه داعش) موثر می‌دانند؛ با این تفاوت که رابرت اگنیو این فشار را ناشی از فشار و محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی، رابرت مرتن این فشار را ناشی از شکاف بین اهداف و ابزارهایی نهادینه شده در راه حصول به اهداف و در نهایت پیتر بلاو و جودیت بلاو این فشار را ناشی از شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب (ایده‌آل) افراد در نظر می‌گیرند. لذا در رابطه با رویکردهای نظری فشار اجتماعی در ارتباط با نقش عامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) می‌توان چنین گفت که فشارهای وارده بر شهروندان کشورهای آسیای میانه در ابعاد مختلف اقتصادی (همچون: بیکاری، فقر، عدم آزادی اقتصادی)، اجتماعی (همچون: افزایش برون کوچی، پایین بودن سطح بهداشت) فرهنگی (همچون: پایین بودن شاخص آموزش و هزینه‌های آموزشی، عدم توسعه انسانی) می‌باشد. لذا از آنجا که ابزار لازم برای دسترسی به اهداف مورد نظر در اختیار همه شهروندان قرار نمی‌گیرد؛ در نتیجه آنها با مقایسه‌ای که بین خود دیگران از وضع موجود و مطلوب بویژه در بعد ارزش‌های مادی به عمل می‌آورند؛ احساس محرومیت نسبی می‌کنند و لذا آمادگی و استعداد لازم را برای پرداختن به اعمال کجروانه و پی‌گیری اهداف و اعمال خود در گروه‌های

افراطی دارند. گروه داعش نیز با توجه به این ضعف؛ یعنی فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در کشورهای آسیای میانه وجود دارد؛ با تبلیغات وسیعی که انجام می‌دهد؛ مبادرت به عضوگیری از این کشورها می‌نماید. یافته‌های تجربی به‌دست‌آمده آنگونه که در یافته‌های پژوهش و نیز در سطور فوق آمده است با تئوری های مختلف فشار اجتماعی همخوانی داشته و به لحاظ تجربی به تقویت آنان می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش کاظمی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان تحلیل زمینه‌های سیاسی- اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی: از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور، مبنی بر اینکه یکی از زمینه‌های حضور داعش در آسیای میانه، مشکلات اساسی داخلی کشورهای آسیای میانه می‌باشد؛ همخوانی داشته و به لحاظ تجربی به تقویت آن می‌پردازد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش اسلامی محسن و ایاز (۱۳۹۶) تحت عنوان بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن، مبنی بر اینکه وجود عوامل و بستریایی همچون فقر، عدم توسعه یافتگی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی از زمینه‌های نفوذ داعش در آسیای میانه می‌باشد؛ همخوانی داشته و به لحاظ تجربی به تقویت آن می‌پردازد. علاوه بر آن، یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش مارتا بریل اولکاد (۲۰۱۴) تحت عنوان ریشه‌های اسلام افراطی در آسیای مرکزی، مبنی بر اینکه نحوه آموزش روحانیون برجسته ازبکستان که از "بنیادگرایان" یا "وهابیان" می‌باشند؛ در گرایش شهروندان و توسعه اسلام رادیکال در ازبکستان نقش داشتند، همخوانی داشته و به لحاظ تجربی به تقویت آن می‌پردازد؛ چرا که پژوهش حاضر نیز به رابطه شاخص آموزش با اسلام‌گرایی افراطی دست یافته است.

از سوی دیگر؛ یکی از مولفه‌های توسعه‌ای تبیین‌کننده اسلام‌گرایی افراطی (گروه داعش) توسعه سیاسی بوده است. لذا به‌منظور تبیین نظری موضوع از تئوری توسعه سیاسی هانتینگتون و نیز احساس نابهنجاری اجتماعی بازیگران اجتماعی استفاده شد. علاوه بر این برای تأیید مدعای نظریه‌های فوق به اقتدارگرایی و نیز عدم توسعه سیاسی در آسیای میانه با تأکید بر فرایند انتخابات نامتوازن پرداخته‌شده است. یافته‌های تجربی به‌دست‌آمده با تئوری توسعه سیاسی هانتینگتون و احساس نابهنجاری اجتماعی رابرت مرتن همخوانی داشته و به لحاظ تجربی به تقویت آنان می‌پردازد. چرا که بیشترین و کمترین عضوگیری داعش در میان کشورهای مشترک منافع به ترتیب از کشورهای ازبکستان (که بر سنت‌گرایی، رهبری مقتدر و

دولت، حقوق جمعی و قوام بخشی ملی تأکید کرد) و قرقیزستان (که دست به آزادسازی‌های گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف زد) و قزاقستان (که یک مدل توسعه مدرن را پذیرفت و عناصر نظم دمکراتیک، اقتصاد بازار، حکومت قانون و حقوق مدنی را نهادینه ساخت و لذا فرصت‌هایی برای نیروهای اپوزیسیون از خود نشان دادند) بوده است.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش مجیدی و باقری (۱۳۹۷) تحت عنوان زمینه‌های پیدایش و رشد افراطی‌گری در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش، مبنی بر اینکه دلایلی همانند: فقدان دموکراسی و حقوق شهروندی، تاجر و واپس‌گرایی در ظهور و بروز این جریان موثر می‌باشند؛ همخوانی داشته و به لحاظ تجربی به تقویت آن می‌پردازد. علاوه بر آن، یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های کتاب سعید شرافت (۱۳۸۳) تحت عنوان امنیت در آسیای مرکزی که در بخشی از آن به مسأله اسلام‌گرایی افراطی می‌پردازد، مبنی بر اینکه رشد فساد و رشوه‌خواری، طبقاتی شدن جامعه بر اساس غنی و فقیر، عدم توجه به ترویج اسلام میانه‌رو، برخورداری از نوعی حکومت انعطاف‌ناپذیر در قبال جامعه مدنی، عدم توجه به بعد اسلام دمکراتیک مبتنی بر اراده عمومی، شک و تردید مردم نسبت به دموکراسی، دگرگونی اقتصادی و انتخاب اقتصاد بازار باعث شده است که اسلام‌گرایی افراطی خطر جدی برای منطقه تلقی گردد؛ همخوانی داشته و به لحاظ تجربی به تقویت آن می‌پردازد.

بنابراین در خاتمه با توجه به تبیین نظری و تجربی پژوهش حاضر می‌توان چنین گفت که پس از فروپاشی ایدئولوژیکی کمونیستی انترناسیونالیزم و سیاست ملی وابسته به آن، که تا اندازه‌ی منافع اقوام مستقر در کشورهای آسیای مرکزی، در دوران شوروی را به نظام در آورد، جوامع دارای کثرت قومی مسلمان از چنین تنظیم‌گری مهمی بی‌نصیب ماندند. در چنین وضعیتی ایدئولوژی اسلامی، که آدمیان را نه از روی منسوبیت قومیشان بلکه همچون قوه‌ی متحده‌کننده‌ای عمل می‌کند در کشورهای آسیای میانه با استقبال روبرو شده و همچون واسطه به تنظیم در آوردن مناسبات بین اقوام گردید. لذا به مرور زمان جنبش‌های اسلامی کم‌کم رنگ ملی خود را از دست داده و بیشتر جهت‌گیری اسلامی به خود گرفتند. به این ترتیب آسیای مرکزی محیطی امن برای فعالیت‌های اسلام‌گرای بنیادی گشته است. لذا می‌توان گفت که هر چه منطقه از سطح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پایینی برخوردار باشد؛ رشد و گرایش به گروه‌های اسلام‌گرایی افراطی بیشتر می‌باشد.

- در این قسمت براساس مطالعه کمی حاضر به ارائه پیشنهادهای کاربردی مناسب در قالب راهبردها جهت مقابله با اسلام‌گرایی افراطی در آسیای میانه مبادرت می‌شود:
- ✓ به کارگیری تمامی ظرفیت‌ها جهت معرفی و آگاهی بخشی نسبت به اسلام میانه‌رو و تمایز آن با اسلام رادیکال
 - ✓ بسترسازی جهت تقویت وجوه فرهنگی و تاریخی مشترک با آسیای مرکزی
 - ✓ به کارگیری تمامی ظرفیت‌ها در راستای تقویت ظرفیت‌های ادبی و هنری مشترک در آسیای مرکزی
 - ✓ بسترسازی و بکارگیری تمامی ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی جهت تقویت روابط و تبادلات علمی، آموزشی و پژوهشی در آسیای مرکزی
 - ✓ بسترسازی و بکارگیری تمامی ظرفیت‌ها جهت تقویت مناسبات اقتصادی در آسیای مرکزی
 - ✓ بسترسازی و بکارگیری تمامی ظرفیت‌های درون و برون سازمانی جهت تحقق بخشی امنیت پایدار در منطقه
 - ✓ تقویت همگرایی و بسترسازی جهت تنش زدایی و حل اختلافات در منطقه
 - ✓ بسترسازی جهت تعامل هم‌افزا در برخورد با افراط‌گرایی در منطقه
 - ✓ بسترسازی جهت حمایت و کمک به توسعه سیاسی در آسیای مرکزی
 - ✓ بسترسازی جهت ارتقاء رفاه و کیفیت زندگی اجتماعی و رضایت‌مندی شهروندان در آسیای مرکزی

- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴). «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». **فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، دوره ۶، شماره ۲۲.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۲، شماره ۶، صص ۵۵-۷۷.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- خدابخشی، لیلیا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نوواقع‌گرایی»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۳، صص ۲۱-۴۷.
- دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۶-۷۷.
- ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- ریترز، جورج (۱۳۸۴). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- سپهری، یدالله؛ عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- طارمی، داوود و محمد علیپور، فریده (۱۳۹۹). «جایگاه ناتو در طراحی استراتژی آمریکا پس از جنگ سرد (با تأکید بر خاورمیانه)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، بهار، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۶۶-۴۱.
- عزیزخانی، احمد (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌های بنیادگرایی مسیحی در آمریکا (بر مبنای اندیشه‌های لئو اشتروس)، **فصلنامه دین و سیاست**، شماره ۱۹-۲۰.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱). **توسعه سیاسی و تحول اداری**، تهران: نشر قومس.

کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، *دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.

کبیری، ابوالحسن و کاویانی فر، پیمان (۱۳۹۸). «اولویت‌بندی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از طریق آسیای مرکزی و راهکارهای مقابله با آن»، *فصلنامه مطالعات دفاع مقدس*، دوره ۵، شماره ۴، صص ۷۰-۵۱.

کیویتسو، پیتر (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
گر، تد. رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسانها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) منابع انگلیسی

Kulnazarov, R. (2015). New Geopolitical Role of Central Asia within Foreign Policy Interests of World Powers. *Asian Social Science*, 11, 125-130, (available at: <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/ass/article/view/42171>, (Accessed on: 4/6/2020)

Lakatos, A., & Kosztur, A. (2017). Global Politics, Regional Competition: Great Power Politics in Central Asia. *Hiperboreea*(1), 61-76.(available at: <https://www.jstor.org/stable/10.5325/hiperboreea.4.1.0061?seq=1>), (Accessed on: 25/6/2019)

Leonid Grinin and A. Korotayev, Islamism and its Role on Modern Islamic Societies: World System and World Values Perspectives, 2019, p. 61-62. (Available at: <https://www.researchgate.net/publication/327917762>, Accessed on:23/7/2019)

SUCU, A. E. (2017). The Importance of Russian Military Presence in Central Asia for Russia's Regional Security. *Annual Conference on Eurasian Politics and Society* (pp. 125-138). Kabul: The Academic Elegance, (available at: https://www.academia.edu/33884667/The_Importance_of_Russian_Military_Presence_in_Central_Asia_for_the_Regional_Security_of_Russia), (Accessed on: 12/10/2018)